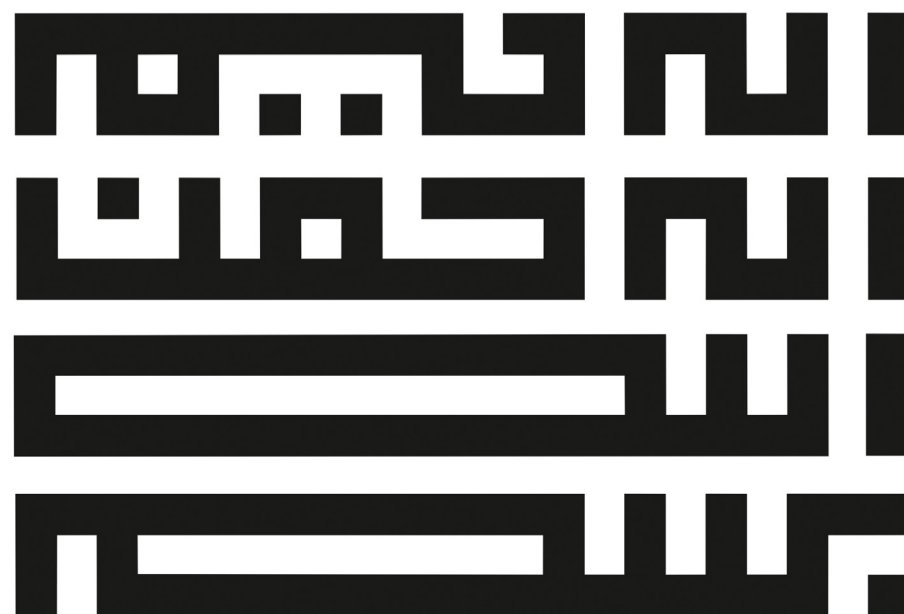


# هواداران آمریکا؛ ریل گذار ورود کشور به مسیر مورد نظر غرب

## فهرست

۳.....	مقدمه.....
۴.....	بهره گیری از کارت برجام در دوران پیش از انتخابات.....
۶.....	ایجاد تردید در افکار عمومی با کارت برجام.....
۹.....	برجسته کردن شرایط سخت معیشتی مردم در دوران تحریم.....
۱۲.....	القای گسترش ناامیدی در جامعه بدون مذاکره با آمریکا.....
۱۴.....	القای رفع مشکلات اقتصادی از مسیر معاهدات بین المللی.....
۱۹.....	ایجاد تردید در ناکارآمدی و مشروعیت نظام.....
۲۴.....	بهره سخن.....



## مقدمه

جریانهای سیاسی برای اکت در سپهر سیاسی کشور و حضور فعالانه و اثرگذار در هرم قدرت، همواره تلاش می کنند افکار عمومی را با خود همراه سازند و درصدد متقاعد سازی جامعه برآیند. در این میان بهره گیری از ابزارهای تبلیغاتی و رسانه ای در جهت پیشبرد اهداف سیاسی تا زمانی که حقایق دچار تحریف نشود و تاکتیک های رسانه ای پوششی برای رفتارهای متناقض سیاسیون تلقی نگردد، محل اشکال نیست. اما مادامی که تلاش شود چشم جامعه از حقایق پنهان بماند رفتار سیاسیون تناسبی با ساختارهای اخلاقی نخواهد داشت.

در پروسه روی کار آمدن دولت دوازدهم این جریان تجدیدنظر طلب بود که تمام قد پشت سر دولت روحانی ایستاد و نقش تکیه گاه را برای دولت بازی کرد و از سوی دیگر، پایگاه اجتماعی و اعتبار خود را برای رئیس جمهور هزینه کرد. در این میان رفتار جریان حامی دولت و مسئولین اجرایی به پیش و پس از خروج آمریکا از برجام تقسیم بندی می شود.

پیش از خروج ترامپ از برجام و دوران پیش از انتخابات ۹۶، پسانتخابات و خروج آمریکا از این معاهده، پیش کشیدن موضوع

مذاکره با آمریکا در دوران حیات نباتی برجام و بهره‌گیری از ابزار لوایح چهارگانه که همگی در راستای ایجاد تردید در افکار عمومی و انحراف اذهان از واقعیت تلخ "گره زدن حیات و ممت کشور به برجام" توسط دولت و شکست در شطرنج سیاسی با غرب، صورت پذیرفت. این شرایط با هدف مقصرتراشی و تحت فشار قراردادن حاکمیت، رهبری و نهادهای انتصابی و انقلابی صورت پذیرفت تا ازین رهگذر فرافکنی و تداوم حیات سیاسی محقق شود.

## ۱۱ بهره‌گیری از کارت برجام در دوران پیش از انتخابات

حمایت جریان تجدیدنظرطلب از روحانی در انتخابات ۹۶ پس از آن صورت گرفت که بخش اعظمی از وعده‌های رئیس‌جمهور به مردم بر زمین مانده بود. این جریان سیاسی در حالی پایگاه اجتماعی خود را برای رای مجدد به روحانی به خط کرد که با منجی ساختن از برجام آن را در قامت یک معجزه در ساحت اقتصادی و معیشتی جامعه معرفی کرد. بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه در سال ۹۵ از برجام به عنوان توافقی تاریخی و بزرگ یاد کرد و

گفت: «برجام دستاوردهای زیادی داشته زیرا تاکنون کشور را از تحریمها نجات داده است.» بزک برجام برای بهره‌برداری سیاسی در انتخابات ۹۶ نه تنها به خط خبری-تحلیلی چهره‌های سیاسی مبدل شده بود، بلکه معاونین وزرا نیز برای تداوم مسیر دولت یازدهم از برجام به مثابه جادوی دولت یاد کردند. مناف هاشمی معاون وزیر ورزش و جوانان گفت: «باید اذعان داشت که برجام بیشترین رهاورد و دستاورد را برای کشور داشته و ثمرات آن به مرور روشن و آشکارتر خواهد شد. اگر منتقدان کمی مهربانانه به شرایط روبه‌جلو کشور نگاه کنند در می‌یابند که برجام ثمرات زیادی داشته و ما تازه داریم از بحران خارج می‌شویم.»

امید بخشی به جامعه با القای اینکه برجام ثمر خود را در دولت بعدی خواهد داد بستر را برای رای آوری روحانی فراهم کرد. به همین دلیل پیش از انتخابات ۹۶ بود که لیدراصلاحات در قالب فایل ویدئویی مردم را به رای به روحانی فراخواند: «می‌خواهم شهادت بدهم دولت آقای روحانی دولت موفقی بوده است. با همه محدودیت‌ها و مشکلاتی که داشته است، با امکانات اندکی که داشته و توقعات فراوانی که بوده است، توانسته خدمات بسیاری را به انقلاب و مردم و کشور انجام دهد. با روحانی راهی را آغاز

کرده ایم و به نیمه راه رسیده ایم. این بار این شماست که باید تکرار کنید، تکرار رای به روحانی عزیز، برای تقویت امید به آینده ای بهتر.»

## ◀ ایجاد تردید در افکار عمومی با کارت برجام

پس از خروج ترامپ از برجام شرایط برای نگه داشتن ایران تحت هر شرایطی در این معاهده در دستور کار جریان تجدیدنظرطلب و برخی از دولتی ها قرار گرفت. با مکانیزمی که دولت آمریکا در پیش گرفته بود تن دادن به مذاکره با آمریکا به مثابه حاضر شدن پای میز تسلیم بود. با این وجود از مذاکره به عنوان امری حیاتی برای کشور یاد شد تا ایجاد تردید در افکار عمومی با تاکتیک های مختلف جزو اهداف اصلی جریان سیاسی تجدیدنظرطلب لقب گیرد. کشاندن پای تحریم و مذاکره با آمریکا در زندگی مردم برای روبرو ساختن حاکمیت و جامعه به شکل ملموس بخشی از پازل تجدیدنظرطلبان را به خود اختصاص داد.

محمد جواد ظریف وزیر خارجه کشورمان در تیر امسال حضور

لازم و ضروری کشور در برجام را یادآور شد: «ناموفق شدن برجام برای ما خیلی خطرناک است. گرچه اگر مجبور باشیم این کار را می کنیم ولی این امر حتما انتخاب نظام نیست. دلواپسان بدانند شرایط به دوران پیش از برجام که «در بعضی موارد بانکی، تحریم اروپا بیش از آمریکا بود» بازخواهد گشت. آمریکا قدرت اول اقتصادی دنیاست که کمر همت بسته تا ایران را مجبور به خروج از برجام کند. امروز اروپایی ها می گویند که تضمین می کنند نفت ایران را خریداری کنند. آمریکا مجاری تنفسی ما را شناسایی کرده و اگر هم به اندازه کافی شناسایی نکرده بود، با دستگیری ضراب و صدر هاشمی اینها را شناسایی کردند»

غیر از لزوم حفظ برجام به هر قیمت، مقصرتراشی از برهم خوردن برنامه جامع اقدام مشترک نیز بخشی دیگر از رفتار سیاسی جریان تجدیدنظرطلب را شکل می دهد تا این دو وجه به عنوان بال های اصلی تاکتیک این جریان سیاسی، ظهور و بروز رسانه ای پیدا کند. علی مطهری نائب رئیس مجلس شورای اسلامی در اقدامی تامل برانگیز مقصر خروج آمریکا از برجام را سپاه پاسداران و حاکمیت معرفی می کند: «در برجام، دو، سه روز بعد از امضای برجام، موشکی با نوشته «اسرائیل باید از بین برود» به هوا پرتاپ

شد که این کار در آن زمان به نوعی تحریک طرف مقابل بود. قطعاً موشک نیاز است اما هر کاری باید در جای خود انجام شود. آنچه مشخص است اینکه اگر کشور ما در مسأله برجام متحد بود و از سمت اروپایی‌ها به مقداری در ایران سرمایه‌گذاری می‌شد، خروج ترامپ از برجام نیز به راحتی ممکن نبود. از همان ابتدای امضای برجام، بخشی از نظام ما مخالف اجرای آن بود و رفتار و عملکرد آن‌ها چه در مجلس، نیروهای مسلح و... نشان‌دهنده چنین مطلبی بود. این که برخی می‌گویند رهبری برجام را ندیده‌اند، به هیچ وجه صحیح نیست، بلکه ایشان متن برجام را خودشان از نزدیک مشاهده کردند و با اجازه ایشان، برجام امضا شد.»

در همین راستا جاریان تئورسین اصلاح طلب نیز در اردیبهشت ماه، روحانی و دولت را تحت فشار اهرم‌های قدرت دانست و سیاست خارجی را یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده وضعیت وخیم کشور قلمداد نمود که آن را خارج از ید اختیارات دولت معرفی کرد: «بغرنج شدن وضعیت کشور ناظر بر چند فاکتور شامل اقتصاد، سیاست خارجی و سیاست داخلی است. ببینید! در سه حوزه مذکور، انتقادات جدی مطرح است اما همه این انتقادات متوجه دولت و رییس‌جمهور نیست. در واقع، اهرم‌های قدرتی در

ساختار سیاسی ما فعال هستند که ابتکار عمل را از دولت گرفته‌اند و نه تنها پاسخگوی عملکردشان نیستند بلکه همواره در مقام منتقد قوه مجریه ظاهر می‌شوند. روحانی به چنین وضعیتی واقف است و هر از چندی در سخنرانی‌هایش پالس‌های انتقادی می‌فرستد و می‌گوید دولت در بعضی تصمیم‌گیری‌ها دخیل نیست و حتی به‌صراحت به مخاطب خاص اشاره می‌کند. به اعتقاد من، این سنخ پیام‌ها و کنایه‌های روحانی از مقطعی به بعد دیگر تحمل نخواهد شد.»

## « برجسته کردن شرایط سخت معیشتی مردم در دوران تحریم

مسیر رفع مشکلات تنها در رفع تحریم خلاصه می‌شود و برای رفع تحریم باید به مذاکره با آمریکا روی آورد. این القائات ترجیع بند رفتار و کنشگری سیاسی چهره‌های شاخص تجدیدنظرطلب شد. سعید شریعتی زندانی سابق سیاسی و فعال اصلاح طلب در گفت و گو با آرمان تاکید کرد: « سال ۹۸ نیز به همین ترتیب سال سخت‌تری برای ملت ایران باشد. لذا مسئولان باید بتوانند این

مساله را با هماهنگی کامل و صادقانه با مردم در میان بگذارند. اینکه به مردم در باغ سبز نشان دهیم و کشور گل و بلبل نشان داده شود واقعی نیست. کشور دچار مشکلات است، تحریم‌ها، عدم ارتباط با اقتصاد جهانی، کاهش فروش نفت، کساد بازاری، کساد صنعت، کاهش درآمدهای مالیاتی، تعطیلی کسب‌وکارها، افزایش معوقات حقوق کارمندان و کارگران مشکلاتی است که نمی‌شود از آن فرار کرد و باید با اجماع و حرکت ملی آن مشکلات را سامان داد.»

در این میان بحرانی جلوه دادن شرایط جامعه و لزوم در نظر گرفتن وضعیت مردم برای تن دادن به مذاکره با آمریکا نیز بخشی از پروسه "تردیدانگاری" تجدیدنظرطلبان در بین افکار عمومی بود. در این میان فائزه هاشمی به روزنامه فایننشال تایمز گفته است «نباید منفعل عمل کرد بلکه باید با آمریکا به زودی، قبل از آنکه شرایط بدتر شود، مذاکره نمود... هیچ گزینه دیگری نداریم. مذاکرات دیر هنگام می‌تواند بعد از فشار بیشتر انجام بگیرد.» وی همچنین گفت، «اینکه از ابتدا، هیچ ارتباطی با آمریکا نداشتیم درست نبود... جمهوری اسلامی باید مشکلات خود را با آمریکا حل کند چون ارتباط نداشتن با ابرقدرت برای ما هزینه‌بر بوده

است... من در حال حاضر خطر فروپاشی را نمی‌بینم اما اگر راه حلی‌هایی پیدا نشود، کشور می‌تواند به آن سمت پیش برود... اکنون بحران در تمام جنبه‌ها به اوج رسیده است در حالی که نظام وانمود می‌کند همه چیز عادی است.»

در کنار چهره‌های سیاسی برخی اقتصاددان‌ها نیز در پازل طراحی شدن جریان‌های سیاسی ایفای نقش کردند و چنان فضا را ترسیم نمودند که گویی بدون مذاکره با آمریکا و رفع تحریم، شرایط روز به روز بدتر خواهد شد و کشور به ورطه سقوط خواهد رسید. حمیدرضا آذرمند تحلیلگر اقتصادی در این خصوص در نشریه تجارت فردا نوشت: «با وجود نیاز شدید کشور به سرمایه‌گذاری‌های خارجی، عواملی مانند تحریم‌های خارجی و محدودیت‌ها و موانع داخلی مانع جذب سرمایه‌های خارجی شده است. جدای از متغیر سرمایه‌گذاری، موانع متعدد دیگری از قبیل بی‌ثباتی اقتصاد کلان، فضای کسب‌وکار نامساعد و ضعف بنگاهداری خصوصی نیز مانع رشد اقتصادی بالا شده است. بنابراین، دولت برای سیاستگذاری مناسب به منظور رسیدن به رشد اقتصادی بالا، با یک مساله ساده مواجه نیست. فراهم کردن

شرایط رشد اقتصادی بالا و خروج اقتصاد از تله رشد، نیازمند اصلاحات بسیار گسترده‌ای است که عملاً خارج از توان دولت بوده و تاکنون نیز دولت موفق به آن نشده است.»

از سوی دیگر، علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی در گفت و گو با «یورونیوز» مدعی شد، وضعیت فعلی اقتصاد و رشد قیمت ارز عمدتاً ناشی از فشارهای خارجی است، این درحالیست بررسی سوابق عملکرد مسئولان و اظهارات کارشناسان خلاف این ادعا را ثابت می کند صالحی در این گفت و گو تأکید کرد تأکید می کرد: «تا یکسال قبل براساس دلار حقوق ۳۰۰۰ دلاری دریافت می کرده که الان این میزان به ۷۰۰ دلار رسیده است. وی مدعی است: ملت ایران به قدری هوشیار و آگاه هستند که بدانند این وضعیت عمدتاً ناشی از فشارهای خارجی است؛ البته او می گوید: ما هم به عنوان مسئول ممکن است قصوری داشته باشیم اما ملت می داند که این وضعیت عمدتاً از فشارهای خارجی است.»

این اظهارات صالحی در راستای القای اثرگذاری تحریم های آمریکا بر ایران است. اظهاراتی که در قالب واقع بینانه ارسال سیگنال های تهدیدآمیز برای حاکمیت با هدف دوقطبی سازی بین ملت

و حکومت است. تئوری ای که اساساً در پازل طراحی شده دشمن خودنمایی می کند.

## « القای گسترش ناامیدی در جامعه بدون مذاکره با آمریکا

منهای مشکلات معیشتی و اقتصادی، تحریم به عنوان عامل رشد افسردگی، یاس و ناامیدی در جامعه نیز معرفی می شود. تا جایی که پروانه مافی عضو فراکسیون امید مجلس در گفت و گو با روزنامه سازندگی در آبان ماه تأکید کرد: « واقعیت این است که وضعیت زندگی مردم بعد از تحریم سخت تر خواهد شد! پنهان نیست که بعد از تحریم احساس محرومیت نسبی مردم بیشتر می شود؛ احساس شادی کمتر و وقت کمتری برای شاد بودن در کنار خانواده وجود دارد. ممکن است حتی احساس رضایت از زندگی کاهش پیدا کند و احساس نگرانی زیادی در مورد آینده و وضعیت شغلی و مالی برخی از مردم به وجود بیاید.

اما نباید فراموش کنیم که این یک دوره‌ی گذار است! از نظر علم روانشناسی قاعده تکرار و القا می تواند یک کشور و یا یک جامعه را در

مسیر معجزه پیروزی و یا شکست قرار دهد. اینکه مدام به مردم گفته شود ادامه تحریم‌ها و عدم مذاکره با آمریکا زندگی شما را از بعد معیشتی و از همه مهم تر روانی تحت الشعاع قرار خواهد داد فرآیند ناامیدسازی جامعه و در ادامه ایجاد دلهره و دلسرد کردن مردم از بهبود وضعیت را پدید خواهد آورد.

اسلامی دبیرکل نمایندگان ادوار مجلس نیز مصداقی دیگر در این خصوص است. او تاکید کرد مادامی که کشور در دوران تحریم به سر برد بحران ناامیدی جامعه را فرا خواهد گرفت: «هم اکنون بحران بی اعتمادی و ناامیدی در کشور در حال شکل گیری است! پیشنهاد ما این است که اگر دولت آمریکا و ایران نمی‌توانند با هم صحبت کنند اما بدنه اجتماعی و نخبگان آمادگی این گفتگو را با نمایندگان آمریکا دارد و وزارت خارجه با مدیریت شرایط می‌تواند زمینه این گفت و گوها را فراهم کند!»

## « القای رفع مشکلات اقتصادی از مسیر معاهدات بین‌المللی

موضوع لوایح چهارگانه و تلاش برای تصویب "FATF" و همچنین

"CFT" همواره یکی از محورهای عملیات روانی جریان تجدیدنظرطلب بوده و هست. دادن آدرس غلط به مردم مبنی بر اینکه "رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی از مسیر تصویب لوایح چهارگانه می‌گذرد" از زبان کارشناسان سیاسی و اقتصادی این جریان مطرح شد و از طریق رسانه‌های زنجیره‌ای در اختیار افکار عمومی قرار گرفت. در این خصوص هاشمی طباطبائی فعال سیاسی اصلاح طلب آبان ماه در گفت و گو با آرمان تاکید کرد: «تبدیل مصوبات مجلس درباره FATF به قانون دست آقای روحانی نیست. وقتی شورای نگهبان روندی را پیش می‌گیرد که ممکن است آن مصوبات قانون نشوند، تبعاتش این خواهد بود که رابطه پولی و مالی ایران با همه کشورها به هم بخورد. آقای روحانی چه کار می‌تواند انجام دهد. همه کسانی که به دولت انتقاد می‌کنند و می‌گویند این کار بشود و آن کار نشود، هیچ کدام راه حل ندارند. این افراد دائم انتقادات و برخوردهای تنیدی انجام می‌دهند، خود اینها اگر امروز سرکار بیایند هیچ کاری نمی‌توانستند انجام دهند. منتقدان دولت بیشتر انتظار دارند و می‌خواهند دولت برای حل مشکلات کشور همه کار کند، مگر آقای روحانی چه کار می‌تواند انجام دهد. به نظر من مسائل امروز به جایی رسیده که هیچ رئیس جمهوری نمی‌تواند



مشکلات کشور را حل کند. مردم بیچاره زیر بار سنگین اجاره در حال جان دادن هستند هر کس بخواهد هر جنسی را به هر قیمتی بفروشد، کسی مانعش نمی‌شود. کارخانه‌جات یکی پس از دیگری تعطیل می‌شود. نمی‌شود از یک طرف در نماز جمعه عنوان کنند که اولین وظیفه دولت بهبود معیشت مردم است و از طرفی دیگر "FATF" تصویب نشود و تحریم‌ها هم بماند؛ مشخص است که در چنین شرایطی معیشت‌مان با مشکل برخورد خواهد کرد.»

در زمینه بهبود اقتصاد مردم از رهگذر "سی اف تی" اعضای فراکسیون امید سنگ تمام گذاشتند تا با سیاسی کاری محرز، فضا را به سود جریان سیاسی متبوع شان رقم بزنند. در همین راستا پارسایی سخنگوی فراکسیون امید مجلس تاکید کرد: «تبعیض، رانت و فسادهایی که وجود دارد مردم را بیش از پیش بی‌اعتمادتر و ناامیدتر می‌کند. مبارزه با رانت، فساد و تبعیض مولفه دیگری در بازگردانی امید به جامعه است، هنگامی که مردم مشاهده کنند با فساد به طور جدی مبارزه می‌شود و فقط شاخ و برگ‌های آن زده نمی‌شود، قطعاً نظرشان تغییر خواهد کرد.» او تصویب "سی اف تی" را به مثابه ایستادن در برابر فساد ارزیابی کرد و گفت: «معتقدم تصویب «CFT» می‌تواند از فساد در کشور جلوگیری کند و از اینکه

هر روز یک عده‌ای غنی‌تر و یک عده‌ای فقیرتر شوند، جلوگیری می‌کند. در حال حاضر مردم شرایط واقعا سختی را سپری می‌کنند برخی‌ها فقط با یک قوت لایموت زندگی می‌کنند.»

پروانه مافی دیگر عضو فراکسیون امید مجلس نیز بزرگنمایی و تحریف حقایق با کارت "سی اف تی" را در قالب توثیتر در دستور کار قرار می‌دهد: «لویح چهارگانه در مجلس در حال تصویب است که «FATF» یکی از آنهاست می‌تواند تبادلات مالی بین المللی ما را تسهیل کند. دستاورد این اتفاق می‌تواند ثبات را به بازار ارز برگرداند و قیمت ارز را حتی تا ۵۰ درصد کاهش دهد.»

اینکه مشکلات مردم از طریق تصویب این لویح حل خواهد شد، به موازات القای این مهم که برخی گروه‌ها از قبل عدم تصویب این قوانین سود می‌برند تاکتیک جریان تجدیدنظرطلب برای ایجاد تردید در چرایی مخالفت با لویح، به همراه القای حس نفرت از جریان انقلابی منتقد به لویح استعمارگونه "سی اف تی" و "اف ای تی اف" در دوفاز مورد استفاده قرار گرفت. وزیر خارجه کشورمان در گفت و گوی تصویری با خبرآنلاین در مقام اجرایی فاز دوم عملیاتی این پروژه ظاهر گشت و اظهاراتی را بر زبان آورد که حاشیه ساز

شد: « پولشویی یک واقعیت در کشور ماست و خیلی‌ها از پولشویی منفعت می‌برند. من نمی‌خواهم این پولشویی را به جایی نسبت دهم، اما جاهایی که هزاران میلیارد پولشویی می‌کنند حتماً آنقدر توان مالی دارند که ده‌ها و صدها میلیارد هزینه تبلیغات و فضا سازی کنند.» محمد جواد ظریف افزود: «با این وضعیت ما نمی‌توانیم با فضا سازی‌ها مقابله کنیم. کسانی که یک قلم معامله‌شان ممکن است ۳۰ هزار میلیارد باشد فضا سازی کرده‌اند. آنها می‌توانند بودجه وزارت خارجه را هزینه یک قلم فضا سازی‌شان کنند.» ظریف افزود: «مجموع بودجه دلاری و ریالی وزارت امور خارجه ۱۱۰۰ میلیارد تومان است یعنی کمتر از بودجه برخی دستگاه‌های فرهنگی که با ارگان‌های قدرتمند کشور ارتباط دارند و ما نمی‌توانیم با آن فضا سازی مقابله کنیم.» این اظهارات همزمان هزینه انتقاد از لوایح چهارگانه را افزایش داد تا عملاً فضای باورپذیری اهمیت "سی اف تی" و "اف ای تی اف" در بین افکار عمومی پررنگ تر و ملموس تر شود. روزنامه دولتی ایران نیز برای ضریب دادن به اظهارات ظریف گزارشی با هدف ارائه سند پولشویی ارائه کرد در حالیکه شخص محمد جواد ظریف در پاسخ به نامه قضایی دادستان کل کشور تأکید کرده است که هیچ سند و حتی دلیلی برای اظهارات خود درباره پولشویی ندارد:

«اقتصاد مواد مخدر، ستون اصلی پولشویی است و سالانه حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان پولشویی مواد مخدر در ایران رخ می‌دهد که عدد بسیار بالایی است و شاید به اندازه بودجه چند وزارتخانه باشد. در ایران، طبق جدیدترین اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر، مواد مخدر سالانه نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان، به اقتصاد کشور ضرر می‌زند، البته این هزینه تحمیلی به در سال ۸۱ و ۸۲ حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان در سال بود... از میزان ۲۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه تحمیلی مواد مخدر در سال به اقتصاد کشور، حدود ۴۰ درصد، معادل ۸۰ هزار میلیارد تومان توسط افراد مصرف کننده مواد، به قاچاقچیان پرداخت می‌شود که این رقم نیز بسیار بزرگ است. راحت‌ترین کار این است که آنها پول‌های خود را به نام اشخاص مختلف در بانک قرار می‌دهند یا به صورت نقدی و چمدانی در مبادلات به کار می‌گیرند همچنین این افراد در حجم بالا وسایل می‌خرند یا به ملک تبدیل می‌کنند.»

## ◀ ایجاد تردید در ناکارآمدی و مشروعیت نظام

اساساً سناریوهای جریان تجدیدنظرطلب با رفتارهای سلبی و

هجمه علیه ماهیت نظام صورت می گیرد. این مهم طی یکسال اخیر رشد فزاینده تری به خود گرفته که ریشه در دلایل مختلف دارد. عدم توفیق در همراه سازی افکار عمومی و نداشتن راهبرد مشخص در قبال مردم، دولت و رهبری عملاً تجدیدنظرطلبان را در وادی "حیرانی سیاسی" قرار داده است، ازین رو چنان شخصی که در حالت غرق شدن به هر خزه ای چنگ می زند تا خود را برهاند، تجدیدنظرطلبان نیز با رفتارهای هیستریک، غیرمنسجم و جزیره ای تلاش می کنند جایگاه خود را در سپهر سیاست کشور بازیابی کنند. در این راستا القای ناکارآمدی و مشروعیت زدایی از نظام نیز بخشی از کنشگری سیاسیون تجدیدنظرطلب را به خود اختصاص می دهد.

محسن هاشمی رئیس شورای شهر پایتخت در جلسه یکشنبه هفدهم دی ماه ۹۶ و در بحبوحه ی اغتشاشات سال گذشته، تلاش کرد حاکمیت را مقصر اصلی اعتراضات مردم قلمداد کند: «در دو ماه اخیر دو تکان در تهران و ایران داشتیم، اولی زلزله ۵.۲ ریشتری تهران بود که بخیر گذشت و دومی ناآرامی گسل های اجتماعی که هر دو تذکری بود که خود را مقاوم کنیم و از طرفی با توجه به شرایط موجود و با مدد کارآمدی و عدالت فکری به حال جامعه و

تثبیت مشروعیت نظام کنیم.»

هاشمی عملاً موضوعی که ریشه در حوزه اقتصادی داشت را با مسائل سیاسی و مشروعیت نظام پیوند زد، اتفاقی که در بین تجدیدنظرطلبان پس از اغتشاشات ۹۶ به یک اصل مبدل شد، سیاسی جلوه دادن مشکلات اقتصادی. در همین حال معاون اول رئیس جمهور نیز مشکلات معیشتی که ریشه در معطل نگه داشتن اقتصاد کشور از سوی دولت را دارد را به موضوعات سیاسی ارتباط می دهد و در این راستا به القا کاهش سرمایه اجتماعی نظام می پردازد تا این تردید را در اذهان جامعه به وجود آورد که حاکمیت و نظام و همچنین، سیاست های اتخاذ شده از سوی جمهوری اسلامی زمینه تنگی معیشت شان را به همراه داشته است.

اسحاق جهانگیری در مهرماه تاکید کرد: «شرایط امروز کشور شرایطی پیچیده، چندوجهی و خطیر است. داشتن درک درستی از شرایط امروز کشور برای اتخاذ راهکارهای مناسب بسیار می تواند کارساز باشد دولت در این خصوص نهایت مساعی خود را برای استفاده از دانش و تجربه اساتید در حوزه های مختلف نظیر اقتصاد به کار بسته است. وضعیت موجود صرفاً محصول عوامل اقتصادی نیست. چون اگر محصول عوامل اقتصادی بود، می شد به اعتبار

بعضی سیاست‌های شناخته شده اقتصادی و پولی شرایط را بهبود بخشید... این يك واقعیت است که وقتی اعتماد اجتماعی ضعیف می‌شود حرف بالاترین مقامات رسمی کشور از يك شایعه در فضای مجازی اثرگذارتر کم‌تر می‌شود.»

سعید حجاریان نیز در گفت و گوی آذرماه خود با نشریه «مشق نو» تلویحاً نظام را در مواجهه با بحران مشروعیت و ناکارآمدی می‌داند و تاکید می‌کند: «خودکامگی پرونده‌ای با پوشه‌های متعدد است. ولی من مسأله مسأله‌ها را «مشروعیت» و «کارآمدی» می‌دانم. نمی‌توان کارآمد نبود ولی مشروعیت را حفظ کرد. چنین وضعیتی شاید مدتی دوام بیاورد اما پایدار نخواهد ماند زیرا به مرور مشروعیت -ولو از نوع کاریزماتیک و برآمده از انقلاب- هم از بین می‌رود همچنان معتقد به اصلاح هستم و بر اساس دو مفهوم مورد اشاره، دو مسیر تعریف می‌کنم. در مسیر اول، فرایند اصلاحی می‌تواند بر مشروعیت تمرکز کند. من پیش‌تر اشاره کردم، مشروعیت دوگانه و نهایتاً به حاکمیت دوگانه منجر می‌شود. حاکمیت دوگانه را باید حفظ کرد تا نهایتاً موازنه برقرار و به مرور کفه بخش انتخابی سنگین شود.» ریشه و اهداف این اظهارات حجاریان را می‌توان در ادامه مصاحبه او جست و جو کرد. روبرو کردن افکار عمومی با القای

مشروعیت نظام و حالا ارائه نسخه ای برای رفع مشکلات. او ادامه می‌دهد: «من معتقدم، راه مشارکت همچنان پاسخگو است و با فشار از پایین می‌توان کفه را به نفع اصلاحات سنگین کرد اما مشکل آن است، در پایین کاری صورت نمی‌گیرد و انتظار می‌رود بالا خود به خود اصلاح شود.» تئورسین اصلاحات در حقیقت پس از تبیین ناکارآمدی نظام و ارائه نسخه یک خطی و مندرس "فشار از پایین و چانه زنی از بالا." او تردید مخاطب را در باورپذیری صحبت‌هایش و یاریگیری از معترضین اجتماعی را این گونه سامان می‌دهد: «نافرمانی مدنی در خلاء شکل نمی‌گیرد. پیش از آن، ابتدا باید تجمع سلولی داشت و اقداماتی مانند کتاب‌خوانی، جزوه‌خوانی و... صورت داد و سپس تجمع‌های موضوعی و بعد هم تجمع‌های سراسری انجام شود. بعد از این‌هاست که نوبت نافرمانی فرامی‌رسد. در نافرمانی مدنی، افراد با علم به جریمه شدن دست به عمل می‌زنند. مثلاً حکومت رفتن به یک مجلس ختم را منع می‌کند، ولی همگی به شکل سازمان‌مند به مجلس می‌روند به قیمت آنکه همگی دو ماه زندان بروند و آزاد شوند. این‌ها همچنان در ظرف پروژه اصلاحات می‌گنجد ولی شرط آن ابتکار، سازمان‌مندی و تحلیل درست از شرایط است. دختران

خیابان انقلاب نافرمانی مدنی می‌کنند اما چون سازمان ندارند و سراسری نیستند، به نتیجه‌ای نمی‌رسند. اکنون، کف هزینه سیاسی تغییر کرده است؛ پیش‌تر ترس از ستاره‌دار شدن وجود داشت و هنوز هم رگه‌هایی از آن وجود دارد ولی می‌توان به کمک مجرب‌ترین و با کیفیت‌ترین اساتید، کلاس آنلاین رایگان برگزار کرد و فارغ‌التحصیلان را برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معتبر خارجی معرفی کرد.»

## ◀ بهره سخن

پس از روی کارآمدن دولت ترامپ چهارشبکه در داخل و خارج - دو شبکه در داخل و دو شبکه در خارج از کشور - در صدد حمله علیه حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی برآمدند. ماهیت سیاست خارجی آمریکا با تاکید بر تشدید فشار و تحریم علیه جمهوری اسلامی شکل گرفت و از سوی دیگر، کمپانی‌های رسانه‌ای وابسته به کارتل‌های صهیونیستی نیز در صدد القای تنش آفرینی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی و ایجاد فضا سازی علیه کشور برآمدند. از سوی دیگر، تلاش شد گزاره‌های برآمده از موج هراس از آینده با ابزار قرار دادن افزایش فشارهای آمریکا در ذهن مردم ایران رسوب

کند و تنها راه نجات جامعه از وضع موجود، تغییر رفتار مسئولین کشور و خالی کردن میدان برای جولان آمریکا در منطقه، کرنش جمهوری اسلامی در برابر رفتارهای خصمانه و در نهایت تن دادن به میز تسلیم معرفی شود.

به موازات سیاست‌های آمریکایی علیه ایران، دو شبکه در داخل کشور نیز تلاش می‌کند در نقش کاتالیزور ظاهر شده و کشور را به مختصات مدنظر یانکی‌ها و پیاده سازی شاخصه‌های اندیشه آمریکایی در تاروپود سیاست جمهوری اسلامی هدایت کند. نخست جریانی ست که در «بستر نفوذ» تلاش می‌کند در قالب تئوری‌های عملیاتی، سیستم اجرایی و مکانیزم رفتاری مسئولین را در راستای اهداف و نیات یانکی‌ها و در نهایت هضم جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل تنظیم کند، رخدادی که به مثابه استحاله نظام و تهی شدن ایدئولوژی جمهوری اسلامی از مباحثی چون استقلال و استکبارستیزی خواهد شد. در این راستا اظهارنظرات، تحلیل‌ها و ترسیم فضای کشور توسط برخی چهره‌های اثرگذار و برجسته اجرایی در مسیر ایجاد تردید و تشدید ناامیدی در جامعه نقش آفرینی می‌کند. گره زدن توفیقات کشور و بهبود اوضاع به اما و اگرهایی که هدف نهایی تئورسین‌های آمریکایی را محقق

خواهد کرد، بخش دردناک این موضوع است. در این شرایط شبکه دوم داخلی فعال می شود. شبکه ای متشکل از برخی تئورسین های برجسته و چهره های شاخص منتسب به برخی جریان های سیاسی است. آن ها تلاش می کنند از موج تردید ایجاد شده در جامعه در مسیر ناامن سازی کشور بهره برداری نمایند، چراکه حیات سیاسی جریان متبوع خود را حالا در سیاست خیابانی جست و جومی کنند. این جریان در حقیقت پازل نهایی سیاست معاندین علیه جمهوری اسلامی است که این روزها به شکل عیان تر از روزهای گذشته در صدد اقدام علیه امنیت داخلی و اردوکشی خیابانی است.